

گونه‌شناسی تحلیلی اشعار عامه استان بوشهر

راضیه رستمی^۱* زهرا ریاحی‌زمین^۲

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۹)

چکیده

اشعار عامه بخش مهمی از ادبیات شفاهی و برگرفته از احساسات، رنج‌ها، شادی‌ها، آرزوها، نیایش‌ها و عشق‌های مردم عامه است که طی قرن‌ها از گذشتگان به آیندگان و از نسلی به نسل دیگر رسیده و نمایان‌کننده فرهنگ، تفکر، باور و رسوم گویای آنان بوده و به صورت دست‌نخورده باقی مانده است. استان بوشهر به دلیل دارا بودن آب و هوا و اقلیم متنوع و احاطه شدن با دریا، کوه و دشت از جمله مناطقی است که فرهنگ عامه غنی و پرباری دارد. زندگی مردم این استان از زمان تولد تا مرگ همواره با اشعار زیادی همراه بوده است که این اشعار عامه متناسب با لهجه و گویش مردم، برای مقاصد و اهداف گوناگون کاربرد داشته است.

در این پژوهش که از نوع بنیادی و به شیوه تحلیلی - توصیفی است در پی شناسایی، جمع‌آوری، طبقه‌بندی و بررسی و تحلیل گونه‌های مختلف اشعار عامه استان بوشهر هستیم. برای انجام این پژوهش از ترکیب دو روش ابزار گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای استفاده کردیم و برآنیم تا به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهیم که چه گونه‌هایی از اشعار عامه در استان بوشهر وجود داشته است؟ هر یک از اشعار در چه زمان یا مراسمی و به چه شیوه‌ای خوانده می‌شده‌اند؟ راویان و مخاطبان آن‌ها چه کسانی بوده‌اند؟

با بررسی و پژوهش در این زمینه، مشخص شد که اشعار عامه استان بوشهر، شامل ۷ گونه لالایی‌ها و ترانه‌های نوازش، اشعار بازی و سرگرمی، اشعار شادی و سرور، اشعار کار، اشعار آیینی، اشعار تغزلی و اشعار سوگواری و غم است. این اشعار همواره با موسیقی و آهنگ همراه بوده که این موسیقی یا توسط دستگاه و سازی خاص نواخته می‌شده است یا خوانندگان

^۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

*rostami.raziye@gmail.com

^۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

با کشش صدا و ایجاد اصوات متفاوت و یا با استفاده از ابزار کار و بازی و ... به اشعار ریتم و نوای خاص می‌داده‌اند و راویان این اشعار نیز عموماً زنان بوده‌اند.
واژه‌های کلیدی: ادبیات عامه، گونه‌شناسی، اشعار عامه، استان بوشهر.

۱. مقدمه

اشعار عامه از دل‌انگیزترین و پراحساس‌ترین جلوه‌های فرهنگ عامه محسوب می‌شود که با بیان زیباترین و دل‌نشین‌ترین عواطف انسانی و به‌میان کشیدن زیباترین مضامین، زندگی و احساس عامه مردم را نشان می‌دهد. این ترانه‌ها آوازهایی هستند که بین مردم رواج داشته و از ضمیر ناخودآگاه و توانایی‌های ذاتی و شهودی آنان پدید آمده‌اند. سرایندگان این اشعار غالباً ناشناس و شیوه انتقال آن‌ها شفاهی و از نسلی به نسل دیگر، بوده است (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۴۹). این اشعار

سرچشمه بسیاری از تجلیات و افکار بشری است و بیانگر تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌های زنده و گویای مردمی است که احساسات خود را به‌صورت دست‌نخورده مطرح می‌کنند. این بخش از ادبیات شفاهی، چون ریشه در اعتقادات، سنت‌ها، آداب و رسوم و اندیشه‌های اقوام گوناگون دارد، سبب ماندگاری زبان و فرهنگ ملت‌هاست؛ از طرفی بومی‌سرودها، پیام‌آور صلح و دوستی و سبب پیوند جوامع با یکدیگر و مانع خصومت و کینه است و قلب‌های ناآشنا را به هم پیوند می‌زند (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۸۷).

ارزش این اشعار به اندازه‌ای است که سرچشمه الهام بسیاری از آثار مشهور و برجسته جهانی به‌شمار می‌آیند؛ زیرا «بسیاری از نقاشان، هنرمندان، نویسندگان و حتی بیشتر فلاسفه تحت تأثیر مستقیم این اشعار قرار گرفته‌اند ... و چه بسا فلسفه‌ها و مذاهبی در یک مملکت و در میان افراد یک ملت گسترش می‌یابد که از این خمیره، مایه بیشتری گرفته باشند» (همایونی، ۱۳۷۹: ۳۳).

کشور ایران به‌دلیل داشتن قومیت‌ها، طایفه‌ها، لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت، گونه‌های ادبی متنوعی دارد. اشعار عامه از جمله این انواع ادبی است که بسیار درخور توجه است. استان بوشهر ازجمله مناطقی است که دارای فرهنگ عامه غنی و دیرپایی است. استان بوشهر، شامل ۱۰ شهرستان با نام‌های بوشهر، تنگستان، دشتستان، دشتی،

دیر، دیلم، گنگان، جم، عسلویه و گناوه است و از نظر پستی و بلندی، شامل دو قسمت جلگه‌ای و کوهستانی می‌شود. قسمت جلگه‌ای استان در امتداد خلیج فارس قرار دارد. قسمت‌های کوهستانی استان بوشهر در نقاط شمالی و شرقی استان قرار دارد و از آن‌جا که خلیج فارس در پهنه تاریخ

در مجاورت عیلام و آشور و بابل بوده و مورد هجوم یونانی و پرتغالی و عرب و ترک و تاتار واقع شده و بدعت‌های دینی و انقلابات سیاسی و مذهبی در آن ایجاد شده و اقوام متعددی به آن سرزمین کوچ کرده‌اند، لامحاله دارای فرهنگ و لهجه‌های متنوع و مخلوط و درهمی است که از مصب رود کارون تا تنگه هرمز و دامنه‌های جبال زاگرس تا صحاری نجد و عربستان و سواحل هندوستان به اقتضای زمان ... ، امکان تجلیات گوناگونی داشته است (اقتداری، ۱۳۵۷: ۱۸۳).

گویش‌های این استان را از نظر تنوع، «می‌توان به دو شاخه شمالی و جنوبی تقسیم کرد. گویش‌های شمالی شامل دشتستانی، دیلمی، لیراوی و گناوه‌ای و گویش‌های جنوبی، شامل بردستانی، بوشهری، جمی و دشتی است» (حاجیان، ۱۳۸۳: ۷). مردم این استان در سراسر زندگی خود برای مقاصد و اهداف گوناگون از اشعار عامه متناسب با لهجه و گویش خودشان استفاده می‌کرده‌اند؛ یعنی از زمان تولد تا مرگ، زندگی فرد همواره با شعر قرین بوده است. مراحل نگارش مقاله حاضر نیز بر اساس این روند زمانی است؛ یعنی طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌های اشعار عامه این استان از لایه‌های زمان تولد کودک آغاز می‌شود و اشعار سوگواری که در مرگ و عزاداری افراد خوانده می‌شود، خاتمه می‌یابد.

۲. مسئله تحقیق

پژوهش حاضر بر این است که از طریق مشاهدات عینی و پژوهش میدانی و به شیوه توصیفی - تحلیلی گونه‌های اصلی اشعار عامه استان بوشهر و زیرمجموعه‌های آن‌ها را مشخص و طبقه‌بندی کند. سپس با بررسی و تحلیل هر یک از گونه‌ها و زیر مجموعه‌هایشان، دیدگاه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، عقیدتی، روان‌شناختی و ... مردم این منطقه را معرفی کند.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی است و به شیوه تحلیلی - توصیفی با ترکیب دو روش ابزار گردآوری اطلاعات، یعنی روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شد؛ بدین سان که ابتدا در یک بررسی کتابخانه‌ای، اشعار عامه جمع‌آوری شده استان بوشهر با دقت بررسی شد. در مرحله بعد، از روش میدانی استفاده شد؛ بدین ترتیب که به گویشوران مناطق مختلف استان مراجعه شد و به منظور صرفه‌جویی در وقت و جلوگیری از خستگی گویشور، با استفاده از ضبط صوت به ثبت و ضبط گونه‌هایی از اشعار عامه این استان پرداخته شد که مهجور مانده بود یا در منابع مکتوب به‌طور ناقص گزارش شده بود. پس از این مرحله که دشوارترین و وقت‌گیرترین مرحله تحقیق بود، هر شعر از گونه‌های اشعار در یک کاربرگ که دربردارنده اطلاعات کلیدی چون نام محل، مشخصات راوی، روایت‌های مشابه و موضوع آن شعر بود، ثبت و ضبط شد و درنهایت با دسته‌بندی، هرکدام از آن‌ها در زیرمجموعه‌ای از گونه‌ای خاص قرار گرفت و سپس به تحلیل و بررسی محتوایی این اشعار پرداخته شد.

۴. پیشینه تحقیق

در زمینه گونه‌شناسی و طبقه‌بندی اشعار عامه استان بوشهر تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. در بیشتر تحقیقات انجام‌شده درباره اشعار عامه این منطقه، تمرکز بر روی جمع‌آوری گونه‌ای خاص از شعر عامه بوده و یا به‌صورتی کلی به جمع‌آوری برخی از انواع شعر عامه این استان اقدام شده است. همچنین در بیشتر این تحقیقات، کمتر به بررسی و تحلیل محتوایی ابعاد این نوع از اشعار توجه شده است. برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از:

عبدالحسین احمدی ریشه‌ری (۱۳۸۱) فرهنگ، آداب، لغات، امثال و اصطلاحات بومی مردم بوشهر را نشان داده است؛ عبدالله رضایی (۱۳۸۱) به جمع‌آوری و ثبت تعدادی از اشعار عامه استان بوشهر از قبیل سرودهای عروسی، چیستان‌ها، اشعار کار، اشعار نوازشی و ضرب‌المثل‌ها اقدام کرده است؛ داریوش اکبرزاده (۱۳۸۱) به شیوه‌ای فشرده و خلاصه درباره جغرافیا، پیشینه تاریخی، یادگارهای باستانی، کیش‌ها و آیین‌ها،

بازی‌ها و سپس بررسی ویژگی واک و واکه‌ها در گویش دشتستانی پرداخته است؛ حسین زنده‌بودی (۱۳۸۳) نیز اشعار و سروده‌های محلی، لالایی‌ها، متل‌ها و امثال مردم تنگستان را گردآوری کرده است؛ محسن شریفیان (۱۳۸۳) به بررسی آواها و آیین‌های سوگواری در بوشهر پرداخته است؛ الله‌کرم لیراوی (۱۳۸۵) سعی کرده است از اجزای تشکیل‌دهنده ادبیات عامیانه مردم به بخشی از ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، تکیه‌کلام‌ها و بعضی از داستان‌های ضرب‌المثل‌ها در استان بوشهر بپردازد؛ کوروش انصاری (۱۳۸۵) اشعار عامیانه قدیم شهرستان دشتستان استان بوشهر را بررسی کرده است؛ عبدالله رضایی (۱۳۸۷) به جمع‌آوری، ثبت و ضبط ضرب‌المثل‌های برخی از شهرستان‌های استان بوشهر اقدام کرده است؛ زهرا ندیمی بوشهری (۱۳۸۹) پاره‌ای از لالایی‌ها و نوازش‌های (هپله) محلی منطقه بوشهر را جمع‌آوری کرده است، با این حال، هیچ گونه تحلیل و دسته‌بندی از لالایی‌ها ارائه نداده و فقط برخی واژگان محلی را معنی کرده است؛ منصور بهرامی (۱۳۹۰) به جمع‌آوری، ثبت و ضبط نیمه‌های دریایی اقدام کرده و همچنین، فرهنگ مختصری از اصطلاحات دریایی و صیادی را نوشته است؛ ابراهیم ابراهیمی و سمیه شیرکانی (۱۳۹۲) بازی‌های بومی - محلی استان را بررسی کرده‌اند؛ منیژه پورنعمت رودسری (۱۳۹۲) به جمع‌آوری و ثبت و ضبط لالایی‌های ۹ شهرستان استان بوشهر و نیز (۱۳۹۵) افزون بر تحقیقات پیش‌گفته به جمع‌آوری و ثبت و ضبط نازآواهای ۹ شهرستان بوشهر اقدام کرده است. وی در ابتدا نازآواها را به تفکیک مکان جغرافیایی دسته‌بندی کرده و سپس به بررسی محتوای نازآواها و ترانه‌های نوازش کودکان پرداخته است.

نگارندگان در این پژوهش برآنند تا به گونه‌شناسی و طبقه‌بندی اشعار عامه استان بوشهر بپردازند و سپس زیرمجموعه‌های هر یک از گونه‌ها را مشخص و بررسی کنند.

۵. گونه‌های اشعار عامه استان بوشهر

۵-۱. لالایی‌ها و ترانه‌های نوازش

با بررسی اشعار خواب و نوازش در استان بوشهر مشخص می‌شود که این نوع از اشعار به دو دسته لالایی و ترانه‌های نوازشی تقسیم می‌شود. اشعار لالایی و خواب علاوه بر

مضامین مذهبی جهت سلامتی و رشد نوزاد، در اغلب موارد حاوی نگرانی‌ها، ناراحتی‌ها، شکوه‌ها و به‌طور کلی حرف‌های نگفته مادر است. شاید بتوان دلیل اصلی حضور این مضامین را در لالایی‌ها، این مسئله دانست که چون نوزاد هنوز متوجه مضمون کلام مادر نمی‌شود، بنابراین مادر آن را فرصتی می‌بیند که به بیان ناگفته‌های دل خود پردازد تا با لحن و موسیقی کلامش، هم سبب خواب نوزاد شود و هم تسکینی برای روح و روان خود باشد.

لالا لالا گُل زیـــره	بُوت رفته زن بگیـــره
دیت آروم نمی‌گیـــره	دیت و غصه می‌میـــره
مُو لالات ایکنم تا مه بشینه	الهی هیچ دی داغ بچش نبینه
مُو لالات ایکنم خُو خَشیت بو	قضا دیر جمال مهوشیت بو ^۱

(لیراوی، ۱۳۹۵)

در مقابل لالایی‌ها، ترانه‌های نوازشی هستند که بیشتر برای زمانی است که نوزاد کمی بزرگ‌تر شده و دیگر کم‌وبیش متوجه مضمون کلام مادر می‌شود. این اشعار نیز اغلب با توجه به جنسیت دختر یا پسر بودن کودک برای آن‌ها خوانده می‌شود.

ترانه نوازشی خاص دختر

شیخ کویت اومه ورم
گفتم نمیدم دخترم
دی دخترم، دی دخترم
شوهر نکرد، اومه ورم
سیصد هزار رفته ورم
گفتم نمیدم دخترم / دی دخترم، دی دخترم
سال دیه فرمون برم
بخدا نمیدم دخترم^۲

(بازیار، ۱۳۹۶)

ترانه نوازشی خاص پسر

گرم، گرم یه دونه
نشسه لب رودخونه

زلفش کرده شونه
سپیش یه زنی میسونه
انار سرخ لپلش
آفتو نخرده مچلش
الان ایرم سی دیم ایگم
تا دیم سپیش بسونش
کرم، کرم، کرم تا زن نسله کرم
زن که اس پیزام
بچه که مته همسامه^۳
(شیرافکن، ۱۳۹۷)

بخشی از ترانه‌های عامیانه به روند رشد و زندگی کودک اختصاص دارند؛ یعنی مادر با دیدن هر یک از مراحل رشد و بالیدن کودک سرشار از شوق و خوشحالی می‌شود و شروع به خواندن اشعاری برای او می‌کند.

آغاز راه رفتن کودک:

تو زیره‌ای مُو فلفلم	پابزن سَر دِلَم
مُوسِم کِشت و کالِشن	پابزن که سالِشن
(زائری، ۱۳۹۵)	

زمان رفتن به خانه اقوام:

دست می‌کنه توی قِباش	رُود خُوم یوِاش یوِاش
قالی می‌ندازن زیر پاش	می‌ره خونه عمه‌هاش
کِل می‌زنیم بالای سرش ^۴	علی می‌گیره بغلش
(همان)	

۲-۵. اشعار سرگرمی

این نوع از اشعار در استان بوشهر انواعی دارد که جهت سرگرمی و تفنن در زمان‌های مختلف خوانده می‌شود. این اشعار اغلب در بین نوجوانان رواج دارد؛ مگر اشعار فال و فال‌گیری که در بیشتر موارد مختص به افراد بزرگسال به ویژه زنان است.

۵-۲-۱. شعرهای چیستان و معما

این نوع ادبی به دو صورت نظم و نثر در ادبیات عامه استان بوشهر وجود دارد؛ به این صورت که چیستان‌های منظوم همواره با زبان معیار در بین مردم رواج دارد و چیستان‌های مثنوی اغلب با گویش و لهجه محلی بیان می‌شود.

ای چنه روز ایگرده، شو زیر یه بنه خاراُشتُری ایخوسه؟^{۵۴} (چشم) (شیرافکن، ۱۳۹۶). اگرچه اشعار عامه همواره دربردارنده تشبیهات ساده، عینی و ملموس هستند و از استعارات دشوار و مبهم شعر رسمی در آن‌ها خبری نیست؛ ولی در این چیستان‌ها شاهد به‌کارگیری آرایه‌های مختلف با شیوه‌ای زیبا و دلنشین هستیم؛ برای مثال در وصف تفنگ این گونه بیان شده است:

چیست آن دلبرِ کوتاه قدِ خوشاق پسند

شوهرش کرده به یک پای معلق در بند

کمرش خم شده از عشوه‌گری وقتِ جمال

چون که شد حامله گردد کمرش را پیوند

یک رحم دارد اندر رحمش ده فرزند

که چنین دیده، یک زن و ده فرزند؟

(غریبی، ۱۳۹۵)

ازجمله نکته‌های قابل‌توجه در چیستان‌های استان بوشهر این است که بسیاری از آن‌ها در وصف موجودات، گیاهان و اشیای خاص منطقه جنوب مثل ماهی، دریا، نخل و ... است؛ زیرا «طراح چیستان می‌کوشد با توصیف‌های شاعرانه، اجزای عناصر حسی و مادی یک پدیده را مطرح کند یا با معرفی برخی ویژگی‌هایش، مخاطب را برای شناسایی آن به تلاش و تکاپوی فکری وادارد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۹۵) و اگر ذهن مخاطب با پاسخ آن آشنایی قبلی داشته باشد، جذابیت چیستان را بسیار بیشتر می‌کند. برای مثال، چیستان زیر وصف نخل است:

تنش خشک و سرش فیروزه دیدم

عجایب صنعتی دیروز دیدم

به دستش خنجر دلسوز دیدم

به گردن دانه‌های قیمتی داشت

(موسوی، ۱۳۹۷)

۵-۲-۲. اشعار فال

در مناطقی از استان بوشهر مراسم فال و فال‌گیری محبوبیت بسیار زیادی دارد. فال گرفتن با قرآن و احادیث و استخاره با تسبیح را اغلب مردان و دیگر فال‌ها از جمله فال نخود، فال شروه و ... را زنان انجام می‌دهند و همراه با برخی از این فال‌ها نیز اشعاری می‌خوانند.

ب) فال شو شنبیدی (شب شنبه‌ای): نوعی فال محلی منطقه جم است؛ بدین ترتیب که در شب شنبه (جمعه‌شب) فردی با نیت فال‌گیری، در حالی با انگشت گوش‌های خود را گرفته است تا صدایی نشنود، از خانه‌اش به قصد حاجت‌گرفتن به در خانه همسایه‌ها می‌رود و این شعر را در بین راه با خود زمزمه می‌کند و با رسیدن به در اولین خانه فالگوش می‌ایستد و انگشتش را از گوش برمی‌دارد و نخستین سخنی را که می‌شنود، نتیجه فال [۷۱] و نیت خود قلمداد می‌کند:

«امشو، شو شنبیدن/ مصطفی در گنبدن/ پای گنبد منبرن/ منبر پیغمبرن/ بزنین طبل نبی/ بکشید اسب علی^(ع)/ تا علی سوار بشه/ برود پیش خدای دو جهان/ هفت ملک در آسمان/ آسمان صافه/ مرغ زیر کافه/ امشب کجا می‌خواه/ زیر علم پیغمبر/ آب از کجا می‌خوره/ از بشکه‌های مرتضی علی^(ع)/ نان از کجا می‌خوره؟/ از خوشه‌های مروارید/ صل علی محمد، صلوات بر محمد^(ص)» (موسوی‌نژاد، ۱۳۹۶: جم).

۵-۲-۳. اشعار بازی

بازی‌های محلی از جمله سرگرمی‌های گروهی است که در بین کودکان، نوجوانان و گاه بزرگ‌ترها رواج دارد. این بازی‌ها علاوه بر داشتن جنبه سرگرمی، در بیشتر مواقع حاوی نکات تعلیمی نیز هستند و از آن‌جا که بازی‌های محلی آمیخته به شعر و سرود جذابیت بیشتری دارد،

حدود ۷۰ درصد بازی‌های سنتی استان بوشهر همراه با موسیقی و شعر است که ریتمیک بودن اشعار در حین بازی، جاذبه بازی را چند برابر می‌کند و از طرفی این نوع اشعار که برگرفته از زندگی و تلاش مردم آن دیار است، باعث تقویت قوه کلام و بیان کودکان به‌خصوص کودکانی که خجالتی و کم‌رو هستند کمک شایانی می‌شود (ابراهیمی و شیرکانی، ۱۳۹۲: ۳).

این بازی‌ها به چند گونه بوده‌اند:

الف) بازی‌های همراه با نمایش و حرکت: «اتل متل، توت متل» از نمونه بازی‌های محلی گروهی است که ویژه سن ۳ تا ۸ سال است؛ به این صورت که چند نفر در کنار هم پاهای خود را دراز می‌کنند و یکی از آن‌ها در حالی که ترانه «آتِل متل» را می‌خواند، انگشت دست خود را روی زانوی یکی پس از دیگری می‌گذارد و ترانه بر روی هر پایي که تمام شد آن پا باید جمع شود و این کار ادامه می‌یابد تا آخرین پایي که دراز ماند بازنده محسوب شود و نهایتاً فرد بازنده، به انجام کاری مجبور خواهد شد که جمع از او بخواهد.

«اتو تل توت متل، نار احمدی نارشکر/ تو تیشه وِردا مو تَوَر، بشیم به جنگ کانظر/ کانظر هی که، هوکه/ گله شاه رَم که، سی و سه تاش کم که/ دختر شاه شونه می‌خا، شونه مردونه می‌خا/ بسی کنین بندر، پَهلی زن سکندر/ سکندر زشتو، پشت جومش نوشتو...» (مومنی، ۱۳۹۶).

ب) تکرار جملات دارای هجای مشترک: این نوع ترانه صرفاً یک بازی لفظی و کلامی است؛ به این صورت که گروه‌های دو یا چند نفری تشکیل می‌شدند و هر کسی که می‌توانست سه بار این جملات را پشت سر هم و بدون اشتباه بگوید، برنده محسوب می‌شد و در غیر این صورت بازنده بود.

– سه دزد رفتند به بز دزدی، یه دزد یه بز دزدید، یه دزد دو بز دزدید (احمدی، ۱۳۹۷).

سَر بازی در سَر بازی سَر سَر سَره بازی سَر سَر بازی را شکست (همان).

ج) اشعار سؤال و جواب: این بازی که صرفاً جنبه سرگرمی دارد، معمولاً بین گروه‌های دو یا چند نفره برگزار می‌شود؛ به این شیوه یک نفر واژه، جمله یا عبارتی را بیان می‌کند و نفر بعد بلافاصله هم‌وزن با کلام او جواب می‌دهد: نفر اول: دو چرخه؛ نفر دوم: سبیل بابات می‌چرخه/ نفر اول: فلکه؛ نفر دوم: همه حرفات کلکه (همان).

۳-۵. اشعار شادی و سرور

اشعار شادی بیشترین بسامد اشعار عامه در استان بوشهر را به خود اختصاص می‌دهند و شامل اشعار عروسی، خیام‌خوانی، مولودیه‌ها، محافل دورهمی و مراسم ختنه‌سوران

گونه‌شناسی تحلیلی اشعار عامه استان بوشهر _____ راضیه رستمی و همکار

می‌شود. این اشعار شاد و آهنگین هستند و در مراسم و جشن‌ها خوانده می‌شوند و معمولاً با آلات موسیقی همراه‌اند و شادی و نشاط و سرور را به همراه دارند.

۵-۳-۱. اشعار عروسی

در بین اشعار شادی بیشترین بسامد مربوط به اشعار عروسی است. در استان بوشهر، هم‌زمان با تمام مراحل آیین عروسی، اشعار و ترانه‌های خاصی بوده است که مردم این منطقه می‌خواندند و شادی مجالس را دوچندان می‌کردند.

۵-۳-۱. مهیا شدن برای مراسم عروسی

خانواده داماد قبل از شروع جشن عروسی، حجله‌ای را برای عروس و داماد تزیین و مواد غذایی از جمله برنج و حبوبات، حبه قند و ... را آماده می‌کردند که هم‌زمان با انجام این کارها، فردی با نام سرخوان اشعاری را می‌خواند و دیگران نیز با پاسخ دادن به شعر او و کِل زدن شادی مجلس را بیشتر می‌کردند.

الف) تزیین حجله

ما که رفتیم باغ و صحرا بشکونیم صد گرز تر گرز تر حجله ببندیم تا بریزه خوش تر^۷
(محمدزاده، ۱۳۹۶)

ب) آماده کردن برنج

آی برنج تیل باریکو توی انبار گچی
خوم دُرارُم، خوم بکویم، خوم بسازم سی برار حاجتی^۸
(زائری، ۱۳۹۵)

ج) حناپندان

شب قبل از جشن عروسی خانواده داماد همراه با زنان اقوام و همسایه حنای خیس شده را در حالی که روی سر یکی از زنان - که ترجیحاً خواهر داماد است - با ساز و سرورخوانان و دست‌زنان به سمت خانه عروس می‌روند و اشعار مربوط به حنا را

می‌خوانند و بقیه همراه با دست زدن جواب آن فرد را می‌دهند و یا اینکه یک فرد، بیت‌هایی را می‌خواند و دیگران منتظر می‌مانند تا بیت‌خوان بیت خود را به پایان برساند و سپس با صدای کل، شادی و سرور خود را ابراز و با بیت‌خوان همراهی می‌کنند یا اینکه بعد از پایان یافتن شعر او پاسخ‌هایی همچون «یار مبارک بادا، ایشالله مبارک بادا» می‌دهند. درواقع، بیت‌خوانی شیوه‌ای از اجرای شعرخوانی است که معمولاً زنان در همه مراحل جشن عروسی می‌خوانند. البته

بیت‌خوانی تنها قطعه‌ای است که زن‌ها در موسیقی محلی بوشهر به همراهی ساز نی جفتی یا نی انبان، به اجرای آن می‌پردازند و تنها آوازی است که در این نوع موسیقی، زن و مرد می‌توانند در جواب یکدیگر آن را به اجرا درآورند (شریفیان، ۱۳۸۳: ۵۳).

ای حنابند، ای حنابند، حنای خوبی ببند
داغ فرزندت نبینی، حناشم پررنگ ببند
یارمبارک بادا، ایشالله مبارک بادا
خوش به حال ننه داماد، پشت کفشش مخملین
رفته جام شربت بیاره، تا کمر بندش زرن
یارمبارک بادا، ایشالله مبارک بادا ...
(همان‌جا)

د) اشعار روز عروسی

در جشن عروسی اشعار مختلفی خوانده می‌شود؛ از جمله هشکله، ماشالله، آلمان، بشکن بشکنه، سوزعلی سوزه، رباب ربابه، یزله، دواره، بادابادا، لیلالایلا، دریا دریا، لاحول‌الله و ... این اشعار بسیار متنوع و از لحاظ برگزاری نیز از یکدیگر متفاوت هستند. برخی از این گونه‌ها نیز همراه با حالتی نمایش‌گونه است که شادی و جذابیت مراسم را بسیار بیشتر می‌کند؛ برای مثال یزله «خار تو پامه» به این صورت اجرا می‌شود که فردی در زمان ساکت بودن مجلس، ناگهان با صدای بلند و دردناک فریاد می‌زند: «آخ آخ آخ» و فردی دیگری با اضطراب از او می‌پرسد: چه اتفاقی افتاده است؟ و او در پاسخ می‌گوید: «خار تو پامه». با گفتن این عبارت سازهای مجلس مثل نی، تنبک و نی‌انبان

شروع به نواختن می‌کنند و حاضران مجلس نیز با رقص و پای‌کوبی و جواب «نمی‌شامه» پس از تک‌خوان همراهی می‌کنند: «خار تو پامه، نمی‌شامه / خار مُخیلو، نمی‌شامه / بیو درش با، نمی‌شامه / کف پامه، نمی‌شامه / ساق پامه، نمی‌شامه / کت پامه، نمی‌شامه / بیگ چشامه، نمی‌شامه^۹ و ...» (شیرافکن، ۱۳۹۶).

دواره: از شادترین و هیجان‌انگیزترین بخش مراسم عروسی و شادی است که به‌صورت دایره متحرک برگزار می‌شود؛ به این صورت که مردان و گاهی اوقات زنان در حالی که دست می‌زنند و همه با هم، بعد یا همراه با خواننده بیت تکرار «آغی ابوذر بز من جوئوم / تا گل نشس خوم زن نیسئم» را می‌خوانند و به‌صورت دایره حرکت می‌کنند. نی‌زن و تنبک‌زن نیز با بقیه می‌چرخند. موسیقی مخصوص دواره معمولاً نرم و ملایم است و رقص و پای‌کوبی حدوداً نیم‌ساعت ادامه دارد.

آغی ابوذر تقصیر ندارم	دختر خوش اوم دس که کر شالم
و بلندی گردنت مجتبی بسازم	و پلت تزی کنم و سینت جا نمازم
نه بلندی بی حدی و نه کوهی زشتی	و صورت سبزینه‌ای و دلم برشتی ...

(همان‌جا)

ه) دومارویی

بعدازظهر روز عروسی خانواده داماد او را سوار بر اسب می‌کنند و به سمت قبله، امامزاده یا اگر رودخانه‌ای داشته باشند به آن‌جا می‌برند و در این هنگام شروع به خواندن شعر و زدن نی‌انبان و دستمال‌بازی می‌کنند: «ماشالله به دوما، ماشالله / دوما برونه، ماشالله / قبله برونه، ماشالله / شیلون کِشونه، ماشالله / گوه کِشونه، ماشالله / عروس آرونه، ماشالله / ماشالله و بالاش، ماشالله / بالاش بلنده، ماشالله / گیسوش کمنده، ماشالله^{۱۰} و ...» (همان).

و) سرتراشون

سرتراشون یا به قولی تراشیدن نمادین سر و ریش داماد اغلب در عصر یا شب عروسی برگزار می‌شود. این مراسم با ساز و نقاره و یا نی‌انبان همراه است و زنان و مردان با

دستمال‌بازی و کِل و دست همراهی می‌کنند و در این هنگام سُورخوان شعر زیر را می‌خواند و دیگران نیز با کِل یا جمله «ایشالله مبارک بادا» پاسخ می‌دهند.

باد میا گل‌باد میا، کشتی لب دریا میا

سرتراشون شازده داماد، مطرب از شیراز میا

درِ خونه درِ قبله، سرتراشون می‌کنند

یکی مادر یکی خواهر جون به قریون می‌کنند

(محمّدزاده، ۱۳۹۶)

۵-۳-۲. خیام‌خوانی

از جمله مراسم‌های شاد و پرطرفدار استان بوشهر است که استقبال خوبی از آن شده است. چنان که از نام این مراسم برمی‌آید، رکن اصلی آن رباعیات خیام است؛ ولی خواننده در وسط رباعی‌ها شروع به خواندن یزله، نوع دیگری از موسیقی شاد بوشهر، می‌کند و با دست زدن مداوم حاضران و تکرار بند یا عبارت اول شعر مجلس ادامه می‌یابد و شور و شوق و شادی فراوانی به جمع می‌بخشد. همچنین عموماً خوانندگان این مراسم چندنفره هستند و «نی جفتی» و «فلوت» به‌عنوان اصلی‌ترین سازهای مراسم خیام‌خوانی است.

وُهله هِل یُوسه (خواننده)، هِل لَل یُو، هِل یُوسه (جمع) / وُهله ما هِل یُوسه، هِل لَل یُو، هِل یُوسه / غُرَاب اومد برده جَتی، هِل لَل یُو، هِل یُوسه / ماییم سیای پآپتی، هِل لَل یُو، هِل یُوسه / و بی‌جهازن صد بغل، هِل لَل یُو، هِل یُوسه / عِلَم زدن بالای دِکَل، هِل لَل یُو، هِل یُوسه^{۱۱} و ... (زائری، ۱۳۹۵).

۵-۳-۳. اشعار ختنه‌سوران

ختنه کردن کودکان در استان بوشهر با شادی، خوشحالی، کِل، یزله، بیت‌خوانی و دست همراه بوده است و در برخی از خانواده‌ها رایج بوده است که در آن روز نی‌انبان هم بزنند و برقصدند. همچنین، یکی از زنان در این مراسم شروع به شعرخوانی می‌کند و بقیه حاضران در مجلس در پاسخ به او دست می‌زنند و می‌گویند: «ایشالله مُوارک باشه».

«ختنه‌کنونه، ایشالله موارک باشه/ شربت خورونه، ایشالله موارک باشه/ ...یر برونه، ایشالله موارک باشه/ چایی خورونه، ایشالله موارک باشه/ بزن و برقصه، ایشالله موارک باشه/ شادی کنونه، ایشالله موارک باشه و ...» (بازیار، ۱۳۹۶).

۴-۵. اشعار کار

اشعار کار ترانه‌هایی است که عموماً مردم آن‌ها را برای رفع خستگی یا به وجود آوردن هماهنگی و تعادل در کارها به‌خصوص کارهای گروهی می‌خوانند. این اشعار در استان بوشهر شامل نیمه (ماهی‌گیری)، بنایی، قالی‌بافی، جیلم، چوپانی، ساروج‌کوبی و هیزم جمع کردن بوده است که برای مثال دو مورد از آن‌ها را می‌آوریم:

۱-۴-۵. نیمه (شعر ماهیگیری)

نیمه به اشعار کار ماهیگیری گفته می‌شود که از بین ماهیگیران فردی خوش صدا برای رفع خستگی و کسب نیروی مضاعف در زمان صید کردن ماهی و میگو، کشیدن تور از آب دریا و سایر بخش‌ها شعر نیمه را - که بیشتر هم حاوی مضامین مذهبی بوده - می‌خوانده است و دیگران هم‌زمان با انجام کار خود، متناسب با ریتم صدای او و پاسخ خود، کار گروهی‌شان را انجام می‌داده‌اند.

«هله‌ها و یا الله، هله مال/ هله یا محمد، هله مال/ محمد رسول، هله مال/ هله یا علی‌جان، هله مال/ والله جانم فدایش، هله مال/ قربون نامش، هله مال/ ها و یا الله، هله مال^{۱۲} و ...» (بهرامی، ۱۳۹۰: ۲۶).

علاوه بر این اشعار، صیادان و جاشوها قسمتی از سفرنامه فلک‌ناز را انتخاب می‌کردند که درباره سفر دریایی بود و آن را متناسب با لحن و نوای نیمه‌های خودشان می‌خواندند. همچنین گفتنی است که برای انجام کارهایی مانند کشیدن لنگر و تور و بالا آوردن گرگور که باید با سرعت انجام می‌شده، از نیمه‌هایی با نواهای کوتاه مانند نمونه بالا استفاده می‌شد؛ اما هنگام پارو زدن که با سرعت کم‌تر، زمانی طولانی‌تر و با نظم بیشتر انجام می‌شد، اشعار بلندتر یا داستان فلک‌ناز را می‌خواندند.

۲-۴-۵. شعر بنایی

از آنجایی که شغل بنایی نیاز به هماهنگی و نظم بین افراد داشت و گرمای طاقت‌فرسای جنوب نیز سختی کار را بسیار بیشتر می‌کرد، بناها برای سهولت کارشان

ترانه‌هایی می‌خواندند؛ برای مثال، در ترانه زیر با گفتن عبارت «بیو نه» نظم و تعادلی خاص به کار می‌دادند و علاوه بر آن، بنا به کارگر می‌فهماند که به چه مصالحی نیاز دارد:

«گچ بده سنگ، بیو نه/ جون تو دلم، بیو نه/ گمپ گلم، بیو نه/ نکنی ولم، بیو نه/ گچته بدم، بیو نه/ مو گچ میخوام، بیو نه/ رو کردنت، بیو نه/ گچ اُردنت، بیو نه/ برده دلم، بیو نه/ مو چه بکنم؟، بیو نه/ خشک و خالی، بیو نه/ بیو ری قالی^{۱۳} ...» (تیموری، ۱۳۹۵).

۵-۵. اشعار آیینی

۵-۵-۱. چاووشی و چاووشی خوانی

چاووشی در قالب دوبیتی سروده می‌شود که پایان هر دوبیتی، شنندگان با صدای بلند یک صلوات ادا می‌کنند. این گونه ادبی در مراسم سوگواری سیدالشهدا، زمان رفت و برگشت زائران، در ماه مبارک رمضان به‌ویژه سحر، در زمان انجام کارهای دسته‌جمعی و برداشت محصول کشاورزی یا درو کردن و خرمن‌کوبی، کارایی دارد و بیشتر گونه‌ای از اشعار چاووشی استفاده می‌شود که نام ائمه اطهار^(ع) در آن باشد.

این اشعار، سه روز قبل از حرکت زائران و نیز سه روز پس از بازگشت آن‌ها خوانده می‌شده است و خانواده‌های زوار با بستن تاب بر در خانه‌ها و خواندن اشعار زیر، باعث شادی و خوشحالی می‌شدند.

حاجی از حج اومده، شکر، شکر

حاجی ما خوش اومده، شکر، شکر

احرام حاجی خوم بیدم، شکر، شکر

جومه حاجی خوم بیدم، شکر، شکر

درباره بستن تاب، عقیده بر این است که چون تاب می‌جنبد، دل حاجی نیز می‌جنبد و از خانه خدا یا مکان زیارتی دل می‌کند و تصمیم به آمدن می‌گیرد (شریفان، ۱۳۸۳: ۶۳).

۵-۵-۲. شعر راه رفتن کودک

زمانی که کودکی به سن ۴ یا ۵ سالگی می‌رسید، اما نمی‌توانست راه برود، او را درون زنبیلی می‌گذاشتند و برای گرفتن مواد غذایی همچون برنج و گندم به خانه همسایه‌ها

می‌رفتند و هم‌زمان ترانه «کُندو پا ندارد» را فردی می‌خواند و دیگران که اغلب کودکان بودند، پاسخ می‌دادند «یه پُی بدین سی کُندو» و بعد گندم یا برنج را خیس و سپس برشته می‌کردند و سپس بچه را در زیر پارچه‌ای قرار می‌دادند و این گندم را بر سر او می‌ریختند، کودکان دیگر جمع می‌شدند و این گندم‌ها را می‌خوردند.

«کُندو پا نداره، یه پُی بده سی کُندو/ به افتخار مندو، یه پُی بده سی کُندو/ پدر مادر موندو، یه پُی بده سی کُندو/ سی طیفه‌داری کُندو، یه پُی بده سی موندو/ تا کُندو پا بیاره، یه پُی بده سی کُندو»^{۱۴} (محمدزاده، ۱۳۹۶).

۵-۳. اشعار طلب باران

خشک‌سالی و کم‌آبی از مهم‌ترین مشکلاتی بود که مردم استان بوشهر همواره با آن دست و پنجه نرم می‌کردند. بنابراین، زمانی که خطر کمبود آب و بارش باران احساس می‌شد، اقدام به برگزاری مراسم گروهی متعددی می‌کردند تا باران ببارد. برای این امر، چهار نوع مراسم وجود داشت که فقط دوتا از آن‌ها با اشعاری همراه بود. البته ممکن است در نحوه اجرای مراسم در هر شهرستان تفاوت‌هایی وجود داشته باشد:

۵-۳-۱. مراسم قبله دعا

چند نفر از اهالی در حالی که کیسه‌ای به همراه دارند، به خانه‌ها سر می‌زنند و از هر خانه مقداری از وسایل تهیه آتش را می‌گیرند. وقتی آتش پخته شد در آن مهره‌ای می‌اندازند و آن را در سینی‌های بزرگی می‌ریزند و اهالی شروع به خوردن این آتش می‌کنند. کسی که مهره در قسمت آتش او پیدا شود، گلی نامیده می‌شود و آسک بر دوش در جلو گروه مردم به سمت قبله رهسپار می‌شود و از خداوند بزرگ طلب باران می‌کنند و شعر زیر را همه با هم می‌خوانند:

«بیاد، بارونی/ الله تو بزن بارون/ سی مای عیال‌وارون/ الله تو بزن بارون/ مُشتِ جویی داشتُم/ پس کویی کاشتُم/ نصفی سی الله ی علی/ نصفی سی ای بی‌کسی/ او انبارا او نداره، خدا بده/ دوله اویی او نداره، خدا بده^{۱۵} ...» (عباس‌پور، ۱۳۹۷)

۵-۳-۲. گلی (گل گلی)

یک مرد خود را به طرز مضحک در می آورد؛ به این صورت که لباسی نمادی یا گونی می پوشد و دو تا شاخ را در نمد فرومی کند و روی سر می گذارد. زنگوله ای نیز به گردن می آویزد و به خانه ها می رود و طلب نان و خرما می کند. مردم نیز در حالی که پشت سر او جمع شده اند، شعر زیر را می خوانند:

«گلی ما چه زشته / بارون تپ درشته / ای خدا ما گشمنونه، لنگ آسک کولمونه / ای نور حشرالله بارونت میخام / خضر نبی الله بارونت می خوام / محض کلام الله بارونت می خوام / علی ولی والله بارونت می خوام»^{۱۶} (رستگار، ۱۳۹۲: ۶۶۱).

و وقتی به در خانه ها رسیدند، می گویند: گل گلینم، شاخ زرینم / بارون آوردیم / شیرینی می خواهیم.

سپس نان و خرماها را جمع می کنند و یک مهره یا هسته خرما در وسط آن ها می گذارند. هسته یا مهره نصیب هرکسی شد شروع به کتک زدن او می کردند. فردی که مورد اعتماد مردم بود ضامن می شود و می گوید بعد از ۳ روز باران خواهد آمد و اگر احیاناً باران نیامد، می توانند او را دوباره کتک بزنند (همان).

۵-۴. ماه گرفتگی

زمانی که ماه گرفتگی اتفاق می افتاد، مردم به پشت بام ها می رفتند و شروع به کوبیدن ظروف مسی می کردند و هم زمان با آهنگی موزون و مرتب چنین می خواندند:

غولو زنگی، ماه ول گن تا بیا سبیل پلنگی ماه ول گن تا بیا

(زائری، ۱۳۹۵)

به نظر این مردم «وقتی زار^{۱۷} غلام زنگی را می گیرد، او از شدت غضب به آفتاب چنگ می زند. بنابراین، برای بازآوردن غولو به حال خود، تنها راه چاره، نواختن موسیقی است تا با گوش دادن به آن مسحور شود و به رقص آید و در حالت سماع خورشید را رها کند» (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۲: ۲۱۳).

۵-۶. اشعار تغزلی

این گونه شعری شامل اشعاری می شود که مفاهیم عاشقانه را دربردارد و در آن عاشق به شکایت و گله از جدایی، فراق و نرسیدن به وصال معشوق می پردازد. این اشعار هم

در محافل خصوصی و عمومی خوانده می‌شوند و هم افراد در تنهایی خود می‌خوانند؛ مثل شروه و فایزخوانی که در آن از اشعار فایز دشتی استفاده می‌شود. در محافل خانوادگی، سوگواری، تنهایی و همچنین هنگام کار خرماچینی زنان کاربرد دارد. این نوع از اشعار، در هر منطقه با نام و شکلی متفاوت رایج است؛ در گناوه «میدگونی»، در دشتستان «آلمان»، در دیلم «یاربار»، در دشتی «شروه‌خوانی و فایزخوانی» و در منطقه جم به این نوع از اشعار غزل می‌گویند؛ به این صورت که خواننده هنگام خواندن، معمولاً در پایان هر مصراع مکث و درنگ می‌کند و عبارت تکرار «آی گل» را سنگین‌تر و کوبنده‌تر از سایر قسمت‌ها می‌گوید.

شِکِ شِکِ کفشِشِن، گفتم شِکالنِ آی گل

دَسِ کِردُم پاشنه برنو، دیدم که یارنِ آی گل

آی گُلُمی آی گل، جونِ دُلُمی آی گل

پسِ پاتِ سرخ و سفید میِ پوسِ نرنِ آی گل

شو تَرِیک تو کوچه‌ها بارونِ تَرُمِ که وئی گل

خنده‌های دور و دیریت از دینِ دُرُمِ که آی گل^{۱۸}

(ایاز، ۱۳۹۷: جم)

۷-۵. اشعار سوگواری و غم

این اشعار شامل مرثیه‌ها و نواهایی سوزناک و ناراحت‌کننده است که افراد برای از دست دادن فردی عزیز سر می‌دهند و اغلب زنان این اشعار را می‌خوانند و برای سه دسته کاربرد دارد:

۷-۵-۱. اقوام

مردم استان بوشهر در مراسم ختم و سوگواری اقوام و بستگان خود فردی با نام مصیبت‌خوان را دعوت می‌کنند که اشعاری را در این مراسم بخواند. مصیبت‌خوان نیز متناسب با شخص متوفا اشعاری را انتخاب می‌کند که متناسب با سن، حرفه، شغل و

شهرت اوست. در این مراسم اصولاً سرخوان (مصیبت‌خوان) شعر را می‌خواند. سپس همه با هم عبارت تکرار را می‌خوانند؛ برای مثال

فرد مُسن: «ای واویلا، علمش مکه زده / صد واویلا، علمش مکه زده / همش نه امروز، علمش مکه زده / نه وُ زبون، علمش مکه زده، غُلُغُلِ قرآن، علمش مکه زده / سر جانماز، علمش مکه زده ...» (شیرافکن، ۱۳۹۶).

دختران جوان: نو عروشم، قهر کرده / آفتو گهرس، قهر کرده / آساره پهرس، قهر کرده / سی قد و بالاش، قهر کرده / سی تاج و تورش، قهر کرده / زُلُفِل بورش، قهر کرده^{۱۹} ... (همان‌جا).

همچنین در این مراسم نوعی بیت‌خوانی رایج است که در مقابل بیت‌خوانی عروسی، بیت‌خوانی واورنه^{۲۰} نامیده می‌شود؛ به‌ویژه برای سوگواری جوان ناکام که مصیبت‌خوان با خواندن ابیاتی از زبان مادر یا خواهر آن جوان به سوگواری می‌پردازد (شریفیان، ۱۳۸۳: ۵۹).

رود جونیم چه جوونن، مثل ماه در آسمون

مثل شمشیر در غلاف و همچو قرآن در میون

۵-۷-۲. قهرمانان دینی و مذهبی

قسمت مهم دیگری از اشعار سوگ و غم در استان بوشهر شامل اشعاری است که مردم این منطقه برای بزرگداشت بزرگان مذهبی می‌خوانند که این اشعار نیز بیشتر به زبان معیار نزدیک هستند؛ ولی در برخی از مواقع و مراسم خاص، مردم این منطقه اشعار و نوحه‌ها را به گویش و لهجه محلی خود اجرا می‌کنند. در استان بوشهر برای سوگواری این بزرگان مراسم و آیین‌های مختلفی وجود دارد از جمله حجله حضرت قاسم و لالایی علی‌اصغر.

الف) حجله حضرت قاسم: در این مراسم حجله‌ای نمادین برای حضرت قاسم تدارک می‌بینند و چند تن از زنان سینی‌های از قبل تزیین‌شده را بر روی دستان خود می‌گردانند و کل می‌کشند و برای آن حضرت گریه و زاری می‌کنند. نوحه‌خوانان مرد یا زن نیز شروع به بیت‌خوانی می‌کنند. این بیت‌خوانی شبیه به بیت‌خوانی در مراسم فاتحه است که در ماه محرم هر شب خوانده می‌شود و در شب نهم به اوج خود می‌رسد.

رخت زیبایش بیارید، تا عروشش سر کند
یا ز مرگ تازه داماد، خاک غم بر سر کند
روی تو شاد ای پسرعم، نوعروست آمده
دختر عمت به عزم، پای‌بوست آمده
عمه عمه جان عمه، جان فدای شادیت
من نبستم در مدینه، حجله دامادیت

(محمدزاده، ۱۳۹۶)

ب) گهواره علی اصغر (مختک علی‌اصغر): در شب ششم ماه محرم گهواره‌ای نمادین را با توری سبزرنگ می‌پوشانند و نوحه‌خوانان زن نیز هم‌زمان با جنباندن گهواره، لالایی می‌خوانند و به شرح سرگذشت غم‌انگیز علی‌اصغر می‌پردازند. این آواز با گریه و زاری افراد حاضر در مجلس همراه است و نوحه‌خوان بعد از خواندن هر بیت با آواز حزن‌انگیزی می‌گوید: «علی‌اصغرم لالا لالا، لالایی مادرم لالا» و سپس به سراغ بیت بعدی می‌رود که حزن و اندوه مجلس را چندبرابر می‌سازد.

مختک اصغر بیارین، ای زنان نوحه‌گر
رود جونیم خواب نازن اندکی آهسته تر
هیچ کسی رودش نمیره در کنار مادرش
حیف مادر زحمت روز شبش بر بادرفت
گل نشکفته‌ام اصغر، نکن ناله، مزن پرپر
که فردا پیش زهرایی، علی‌اصغرم لالا

(همان)

۳-۷-۵. فهرمانان منطقه‌ای

بوشهر از بنادر تاریخی و از قدیم‌ترین مراکز تمدنی خلیج فارس و جهان محسوب می‌شود؛ به همین دلیل، از قدیم‌الایام به‌دلیل موقعیت خاص بندری و تجاری بودن، بستر پرتلاطمی برای زد و خوردهای سیاسی و استعمار و چپاول به دست کشورهای اروپایی چون انگلیس، هلند، پرتغال بوده است و متعاقباً افرادی بوده‌اند که شجاعانه در

برابر این بیگانگان ایستادگی کرده و جان خود را در این راه از دست داده‌اند و به قهرمانان این مرز و بوم تبدیل شده‌اند؛ از جمله این افراد می‌توان به رئیس‌علی دلواری، احمدخان دشتی، غلام‌حسین سوزعلی و ... اشاره کرد. مردم استان بوشهر برای سوگواری این افراد اشعار مختلفی را زمزمه می‌کرده‌اند؛ چنان که یکی از راویان محلی می‌گوید: زمانی که رئیس‌علی کشته می‌شود، مردم از اهرم با پای پیاده و به‌صورت سینه‌زن به دلواری می‌آیند و همه با هم شعر زیر را می‌خوانند:

کشته راه خدا، رئیس‌علی دلواری	افتاد در کرب بلا، رئیس‌علی دلواری
صحاب تنگسوں نما، رئیس‌علی دلواری	افتاد در کرب بلا، رئیس‌علی دلواری ^{۲۱}

(زائری، ۱۳۹۵)

۶. نتیجه

اشعار عامه از زیباترین و تأثیرگذارترین جلوه‌های فرهنگ عامه محسوب می‌شود که عموماً با موسیقی و شور و حال در بین مردم رواج داشته است. استان بوشهر از جمله مناطقی محسوب می‌شود که دارای گونه‌های ادبی مختلفی از اشعار عامه است. اشعاری که شامل گونه لالایی‌ها و ترانه‌های نوازش، اشعار سرگرمی، اشعار شادی و سرور، اشعار کار، اشعار آیینی، اشعار تغزلی و اشعار سوگواری و غم می‌شود و از بین آن‌ها، اشعار شادی و سرور بیشترین بسامد را دارد؛ زیرا مردم نیز در حفظ و ماندگاری این اشعار در ذهنشان تلاش بیشتری می‌کنند.

راویان و خوانندگان اشعار عامه اغلب زنان هستند؛ ولی زمانی که اشعار به‌سوی منطق و عقل سوق پیدا می‌کند، مانند چیستان و معما و یا جنبه رسمیت و احترام به خود می‌گیرد، مانند اشعار مذهبی، مردان حضور فعال‌تری دارند و در گونه‌های اشعاری مانند فال و فال‌گیری که هر دو قشر حضور دارند زمانی که صحبت از فال با تسبیح یا فال با قرآن می‌شود، مردان فال‌گیرنده هستند؛ اما زمانی که فال شوشنبدی، فال شروه یا فال نخود و ... است، اغلب زنان انجام‌دهنده آن هستند.

می‌توان گفت قریب به ۹۰ درصد این اشعار با لهجه و گویش بومی بر زبان مردم رایج هستند که بیشتر خوانندگان آن زنان و کودکان هستند، مگر اشعار مذهبی و بیشتر

چیستان‌های منظوم که به زبان معیار نزدیک‌ترند و اغلب مردان راویان آن‌ها هستند. همچنین، علاوه بر اینکه هنگام خواندن گونه‌های مختلف این اشعار، عموماً موسیقی و آهنگ رایج است، در اغلب موارد نیز با مراسم و نمایشی خاص همراه هستند که جذابیت و زیبایی آن اشعار را دوچندان کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. بُوت: پدرت؛ دیت: مادرت؛ وُ: از؛ خُو: خواب؛
۲. شیخ کویت: فرد ثروتمند؛ دی: مادر؛ وِرم: پیشم؛ عامو: عمو؛ خالو: دایی.
۳. کُرم: پسر؛ سیش: برای او؛ مُچلش: مچ دست‌هایش؛ نسد: نگرفت؛ پیزام: پسر شوهر؛ بچه که: زمانی که بچه‌دار شد.
۴. رود: فرزندی؛ خُوم: خودم؛ سالیسن: یک سال شدن؛ کشت و کال: بذرافشانی.
۵. ای: این؛ چنه: چیست؛ ایگرده: می‌گردد؛ بُنه: بوته؛ ایخوسه: می‌خواهد.
۶. بشیم: برویم؛ که: کرد؛ وِردا: بردار؛ تَوَر: تبر؛ هی که: فریاد زد؛ بسی: بفرستید؛ می‌خو: می‌خواهد؛ پُهلّی: کنار؛ جومه: پیراهن.
۷. گُرز: چوب سبز؛ خوش: خوشه.
۸. خُوم: خودم؛ حاجتی: بی‌همتا و عزیز.
۹. نمی‌شامه: نمی‌توانم، نمی‌شود؛ مخیلو: نخل؛ کت و بیگ: کنار.
۱۰. کُوه: گوسفند نر؛ شیلون: کِل؛ بالا: قد.
۱۱. هل‌ل یو، هل یوسه: ای مرد ناامید! آواز بارش باران را بخوان؛ غراب: کشتی بزرگ باربری؛ جتی: اسکله؛ پاپتی: پای بدون کفش.
۱۲. هله معنی لغوی خاصی ندارد؛ اما با کاربردی شبیه به «ماشالله» در بین مردم جا افتاده است.
۱۳. بیو: بیا؛ گُمپ گُلُم: رسته گل من؛ رو کردنت: راه رفتنت؛ ری: روی؛ اُردنت: آوردنت.
۱۴. کُندو: کسی که در راه رفتن کند است؛ سی: برای.
۱۵. دوله اُویی: نوعی ظرف آب که با پوست گوسفند درست می‌شود.
۱۶. تَب: قطره؛ آسک: وسیله‌ای که در قدیم با آن گندم و جو را آسیاب می‌کرده‌اند؛ کُولمونه: بر روی دوشمان هست.
۱۷. باوری خرافی مبنی بر اینکه زار ارواح‌ها خبیثه‌ای هستند که در رودها و چشمه‌ها وجود دارند و گاهی در کالبد انسانی حلول می‌کنند.
۱۸. شِک شِک: صدای کفش؛ شِکال: آهو؛ برنو: نوعی تفنگ؛ می: مانند؛ تَرِیک: تاریک؛ دَرُم: بیرون.

۱۹. همش نه امروز: همیشه؛ حنا رزونش: حنا گذاشتنش؛ گهرس: آفتاب گرفته؛ آساره پهرس: از داغ مرگ، ستاره پریده.
۲۰. در پایان هر بیت، زنان مجلس کلی می‌کشند که طولانی‌تر از کل عروضی است و با جیغ‌زدنشان که به آن «لیک» می‌گویند پایان می‌یابد.
۲۱. مختک: گهواره؛ رود: فرزند.

منابع

الف) منابع مکتوب

- ابراهیمی، ابراهیم و سمیه شیرکانی (۱۳۹۲). *بازی‌های دبستانی؛ تحلیل بازی بومی، محلی استان بوشهر*. قم: موعود.
- احمدی ریشه‌ری، عبدالحسین (۱۳۸۲). *سنگستان؛ عقاید و رسوم عامه مردم بوشهر*. ج ۱. شیراز: نوید.
- اقتداری، احمد (۱۳۵۷). *کشته خویش*. تصحیح محمد غلامرضایی. تهران: توس.
- اکبرزاده، داریوش (۱۳۸۱). *فرهنگ گویش دشتستانی*. تهران: پازینه.
- انصاری، کوروش (۱۳۸۵). *فرهنگ و ادبیات عامیانه مردم دشتستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد بوشهر.
- بهرامی، منصور (۱۳۹۰). *نیمه سمفونی دریا*. بوشهر: حوزه هنری استان بوشهر.
- پورنعمت رودسری، منیژه (۱۳۹۵). *نازآوا و مهرسرودها؛ بررسی و تحلیل ترانه‌های نوازش کودک*. تهران: مجد امید.
- _____ (۱۳۹۲). *لالایی‌های استان بوشهر*. قم: صفحه خرد.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۰). *فرهنگ عامه*. تهران: مه‌کامه.
- حاجیانی، فرخ (۱۳۸۳). «واژه‌های ویژه کشتی و کشتیرانی در گویش بوشهری». *گویش‌شناسی: ویژه‌نامه فرهنگستان*. ش ۲. صص ۷-۱۶.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). «ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. د ۱. ش ۱. صص ۹۳-۱۱۸.
- _____ (۱۳۹۴). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سمت.
- رستگار، ذکریا (۱۳۹۲). *بوشهر تاریخ، سرزمین، فرهنگ*. بروجن: آبتین نگار.
- _____ (۱۳۹۲). *تنگستان؛ تاریخ، سرزمین، فرهنگ*. بروجن: آبتین نگار.
- _____ (۱۳۹۲). *دشتستان تاریخ، سرزمین، فرهنگ*. بروجن: آبتین نگار.

- رضایی، عبدالله (۱۳۸۱). *ادبیات عامیانه بوشهر*. بوشهر: شروع.
- زنده‌بودی، حسین (۱۳۸۳). *فرهنگ و گویش تنگسیری*. بوشهر: انتشارات بوشهر.
- شریفیان، محسن (۱۳۸۳). *اهل ماتم (آواها و آیین سوگواری در بوشهر)*. تهران: دیرین.
- لیراوی، الله‌کرم (۱۳۸۵). *ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، تکیه‌کلام‌ها؛ در فرهنگ بومی سنتی*. بوشهر: شروع.
- ندیمی بوشهری، زهرا (۱۳۸۹). *لایه‌های بوشهری*. ناشر مؤلف.
- همایونی، صادق (۱۳۳۹). «سخنی درباره ترانه‌های محلی». *موسیقی*. د ۳. ش ۴۲. صص ۳۱-۴۵.

ب) منابع شفاهی

- احمدی، حسین (۱۳۹۷). ۵۲ ساله. کنگان. مغازه‌دار.
- بازیار، افسانه (۱۳۹۶). ۵۵ ساله. برازجان. خانه‌دار.
- بازیار، رقیه (۱۳۹۶). ۵۷ ساله. برازجان. خانه‌دار.
- تیموری، ماندنی (۱۳۹۵). ۵۳. رودفاریاب. بنا.
- رحیمی، سهراب (۱۳۹۶). ۵۲ ساله. تنگ‌ارم. چوپان.
- زائری، مدینه (۱۳۹۵). ۶۰ ساله. بوشهر. خانه‌دار.
- شیرافکن، سکینه (۱۳۹۶). ۵۵ ساله. گناوه. خانه‌دار.
- عباس‌پور، رمضان (۱۳۹۷). ۶۰ ساله. بوشهر.
- غریبی، عبدالحسین (۱۳۹۵). ۶۵ ساله. خورموج.
- لیراوی، فاطمه (۱۳۹۶). ۵۳ ساله. دیلم. خانه‌دار.
- محمدزاده، عزیزه (۱۳۹۶). ۵۷ ساله. بوشهر. خانه‌دار.
- موسوی‌نژاد، سیدعلی (۱۳۹۶). ۵۵ ساله. جم. کارمند.
- مومنی، عبدالرضا (۱۳۹۶). ۵۸ ساله. اهرم. کشاورز.
- ایاز، اکبر (۱۳۹۷). ۷۸ ساله. جم. بازنشسته.

Analytical Typology of Folk Poems: The Case Study of Bushehr Province

Rāzieh Rostami *¹ Zahrā Riyāhi Zamin ²

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature – Shiraz University – Shiraz – Iran.
2. Associate Professor of Persian Language and Literature – Shiraz University – Shiraz – Iran.

Received: 18/01/2019

Accepted: 30/06/201

Abstract

Folk poems are an important part of oral literature, resulting from feelings, sufferings, joys, wishes, prayers and love of the public. From generation to generation, they represent the culture, thinking, beliefs and traditions of the given region and have remained intact. Due to the diversity of its climate and environment, the sea, the mountains and the plains, Bushehr province is one of the rich and popular- cultural regions. People's life of this province has always been accompanied by many poems, from birth to death, to which these folk poems have been applied in the dialect of the population for various purposes. By adopting a descriptive- fundamental research methodology, the authors seek to identify, collect, categorize and analyze different types of poems from Bushehr province. To this end and to carry out this research, the authors used a combination of two research methods called field study and library-based. This research aims to answer the following questions: What are the most current types of folk poems in Bushehr province? What time were these poems being read? Who were the narrators and their audience? The results showed that these poems were of seven types including lullaby, game poem, work , lyric and mourning songs. These poems have always been accompanied either by music played with a special instrument, or by using voice length and different sounds which gave them special rhythm and intonation. The narrators of these poems were usually women.

Keywords: Folk literature; Typology; Folk poem; Bushehr province.

*Corresponding Author's E-mail: rostami.raziye@gmail.com